

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۲ مارچ ۲۰۲۴



یونس نگاه

چرا فنلندی‌ها شاد و افغان‌ها غمگین اند؟



از بس همه می‌دانیم که میان فنلند و افغانستان "تفاوت از زمین تا آسمان است"، سؤال بالا بی‌جا می‌نماید. دلایل شادی و غمگینی دو ملت هم تاحدودی برای همه ما آشکار است، ولی در این پست می‌خواهم مقداری به جزئیات این تفاوت‌ها اشاره کنم. از کودکان شروع می‌کنیم که در افغانستان، سرنوشت شان امروز بیش از همه در خطر است.

کودکان

در فنلند انسان از روز اول موجود کامل و صاحب حقوق شناخته می‌شود. از همان آغاز برای تربیت و آموزشش تدبیر می‌سنجند. برای تولد کودک هم به‌اندازه کافی تدبیر می‌گیرند. اکثر جفت‌ها سنجیده و با آمادگی فرزند می‌آورند.

فرزندآوری را با رفع حاجت جنسی خلط نمی‌کنند. تعلیم کودک فوراً بعد از تولد آغاز می‌شود. کودکان در فنلند کودکان کمتر از یک‌ساله را نیز می‌پذیرند. اطفال فنلند، بدون تفکیک جنسیت، تا شش سالگی در کودکانها بسیار می‌آموزند و وقتی وارد مکتب ابتدائیه می‌شوند، از نظر اجتماعی بسیار رشد کرده‌اند. منع تعلیم مثل منع آب و هوا در فنلند، غیرعادی است. در آن کشور شاید به مخیله کسی خطور نکند که روزی فرد قدرتمند و صاحب حزب و گروه سیاسی حتی به شوخی فرمان صادر کند که فلان قشر حق تعلیم ندارد.

نظام آموزشی فنلند رایگان و متمایل به سوسیالیزم (برابری طلبی) است. به کودکان غیر از درس رایگان، نان چاشت رایگان نیز در مکاتب داده می‌شود. فنلند و همسایه‌های اسکندیناوی‌اش میراث‌های مبارزات کارگران و روشنفکران قرون نوزده و بیست را برای ایجاد جامعه برابر و سوسیالیستی نسبت به خیلی از جوامع دیگر حفظ کرده و در نظام‌های سیاسی و آموزشی از آن ارزش‌های انسانی و جهانی بهره گرفته است. سوسیال که در ادبیات جهادی افغانستان دشنام است، در فنلند بسیار ارج گذاشته می‌شود. از این‌رو، فنلند جامعه‌ای شده است که علی‌رغم ترویج فردگرایی، حمایت اجتماعی جای خالی حمایت خانوادگی را پر کرده و آدم‌ها نه مثل افغانستان بی‌دولت و بیش‌ازحد متکی به خانواده‌های فقیراند و نه مثل امریکا بسیار نیولبرالستی که در آن دولت تنها به فکر بانک‌ها، شرکت‌های بزرگ، "آدم‌های موفق" و "پیشتانان" باشد. در فنلند نظام اجتماعی نسبتاً حامی خلق شده است که در آن شهروندان کمتر احساس بی‌پناهی می‌کنند.

زن

در افغانستان زن مایه شر و گناه، سرکوب و محروم کردنی تبلیغ می‌شود. در فنلند اما زن جایگاه مساوی با مردان دارد و حضور آنان در تمام سطوح زندگی، از جمله رهبری کشور، تسهیل می‌شود. صدراعظم فنلند زن است و او وقتی در سال ۲۰۱۹ به قدرت رسید، دوازده وزیر زن و هفت وزیر مرد تعیین کرد. او را به خاطر عدم رعایت تعادل جنسیتی انتقاد کرده‌اند، اما اگر مسوولیت دولت ایجاد رفاه و شادی باشد، آن کابینه موفق عمل کرده و کشور را در این پنج سال به قله شادی نسبی هدایت نموده است. می‌گویند آن خانم در سال ۲۰۲۳ استعفاء داده است.

آزادی

تفکیک قواء، به خصوص استقلال نظام قضائی، در فنلند در ایجاد شادی و رفاه نقش کمتر از مکتب ندارد. استقلال قضاء و تفکیک قواء ستون‌های اصلی نظام سکولار است. لذا شادی فنلندی‌ها محصول نظام سکولارشان است. تعلیم و تحصیل بدون نظام دموکراتیک و سکولار می‌تواند منجر به رفاه شود، ولی شادی و آرامش لازم فراهم نمی‌کند. در فنلند فعالیت سیاسی آزاد است، پارلمان فعال و مؤثر وجود دارد که در آن احزاب مختلف نمایندگان و دسته‌های پارلمانی صاحب صلاحیت دارند. آزادی بیان و نشر در فنلند تضمین گردیده و هرکس می‌تواند بدون سانسور بنویسد و چاپ کند، بگوید و تبلیغ نماید. همه این چیزها از مردم افغانستان گرفته شده، و از این‌رو در پایان خط شادی نشسته ایم.

فرهنگ

ورزش، کار و موسیقی عناصر مهم فرهنگ فنلند اند. در فنلند نیز مردم به گذشتگان، تاریخ و نمادهای قومی و سنتی علاقه‌مندند، ولی امروز را برای گذشته قربانی نمی‌کنند. ستارگان هنری، مخترعان، نویسندگان، موسیقی‌دانان و قهرمانان ورزشی نقش برجسته‌تر از جنرالان و "قهرمانان" جنگی دارند. البته فنلندی‌ها نیز بی‌توجه به امنیت و دفاع

نیستند. صنایع دفاعی و نظامی را جدی می‌گیرند، اما برای فتح جهان، کشتن دیگران و غلبه این ولایت بر آن ولایت یا این قبیله بر آن قبیله لشکر نمی‌سازند.

اقتصاد

نفوس فنلند به‌صورت تقریبی به اندازه کابل، ولی اقتصادش ده برابر افغانستان است. تولید ناخالص داخلی افغانستان را کمتر از ۲۳ میلیارد دلار اعلام می‌کنند و از فنلند را بیش از ۲۶۷ میلیارد. اقتصاد فنلند دانش‌بنیان است و بر ابتکار، دانائی، صنعت و ماشین استوار است. تربیت کودک، نظام حمایتی، آزادی، فرهنگ پذیرا و رو به امروز و آینده جامعه فنلند را در محیط قطب شمال سیری و شادی داده است، ولی جنگ و بی‌تعلیمی و نادانی مردم ما را در سرزمین پر از آفتاب، معادن و مقدار زیاد آب شیرین و خاک بارورگرسنه و غمگین ساخته است.

فنلندی‌ها به نوکیا افتخار می‌کنند که در ابتکار و نوآوری سال‌ها سرآمد بود. از تاریخ چند هزار ساله، پدرانی که دزدانی دریائی ماهر بوده‌اند و جنگ‌هایی که با سویدی‌ها و دیگر همسایگان شان در گذشته‌ها کرده اند، الگو نمی‌گیرند.

خلاصه، درس فاصله افغانستان و فنلند این است که شادی بدون ارتقای جایگاه زن، کودک، زندگی و آزادی به دست نمی‌آید.